



# همگونی «جلباب» قرآنی و چادر مشکی

## ■ درآمد

از نظر قرآن شکل خاصی از حجاب و پوشش که تأمین‌کننده حجاب حداکثری است «جلباب» نام دارد که در آیه زیر بیان شده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللهُ غَفُورًا رَحِيمًا»<sup>(۱)</sup>

ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: جلباب‌های خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای اینکه شناخته نشوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند بهتر است (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.»



## ■ مفهوم، اندازه، کارکرد و رنگ جلباب

### ۱- مفهوم جلباب

اصل ریشه لغوی جلباب، «جیم»، «لام» و «باء» است که طبق نقل برخی کتاب‌های لغت مثل معجم مقاییس اللغة دارای دو معناست:

معنای اول آوردن شیء از جایی به جایی،

و معنای دوم چیزی که شیء دیگر را می‌پوشاند.

جلباب از معنای دوم مشتق شده است.<sup>(۲)</sup> واژه جلباب (با کسر جیم) در اصل مصدر فعل رباعی «جلیب» است که از مصدر اسم ذات اراده شده، نام پوشش ویژه‌ای قرار گرفته است. تعبیر از اسم ذات به وسیله مصدر، باعث شده است که مبالغه در پوشاندن را بفهماند، به گونه‌ای که دلالت بر معنای پوشش بزرگ و کامل کند.<sup>(۳)</sup>

۷۷۷

## یکی از واژه‌های قرآنی که اختلاف در تفسیر معنای آن وجود دارد، واژه جلیاب است. چه بسیار خاستگاه اختلاف، اختلاف آداب و رسوم و نوع پوشش‌ها براساس زمان‌ها و مکان‌های مختلف باشد.

زنان طبقات متوسط سنتی تمایل به استفاده از دو چادر داشتند: یکی برای بیرون از منزل (که تیره‌رنگ و اغلب از جنس کرب چینی بوده) و دیگری که برای نماز خواندن، روشن‌تر بوده و داخل جانماز به صورت تاکرده قرار می‌گرفته،<sup>(۷)</sup> اکنون نیز چنین است.

برخی فرهنگ‌نامه‌های ویژه لغات قرآن که جلیاب را چادر معنا کرده‌اند:

- ۱- لسان‌التنزیل،<sup>(۸)</sup>
- ۲- فرهنگ‌نامه قرآنی،<sup>(۹)</sup>
- ۳- الذرّ فی الترجمان،<sup>(۱۰)</sup>
- ۴- تفسیر مفردات قرآن نسخه کهن،<sup>(۱۱)</sup>
- ۵- نثر طوبی،<sup>(۱۲)</sup>
- ۶- قاموس قرآن،<sup>(۱۳)</sup>
- ۷- واژه‌های دخیل در قرآن مجید،<sup>(۱۴)</sup>

برخی تفسیرهای قرآن که جلیاب را چادر معنا کرده‌اند:

- ۱- تفسیر نسفی،<sup>(۱۵)</sup>
- ۲- تفسیر شریف لاهیجی،<sup>(۱۶)</sup>
- ۳- تفسیر ابوالفتح رازی،<sup>(۱۷)</sup>
- ۴- مخزن‌العرفان،<sup>(۱۸)</sup>
- ۵- مواهب علیّه (تفسیر حسینی)،<sup>(۱۹)</sup>
- ۶- تفسیر سوراآبادی،<sup>(۲۰)</sup>
- ۷- تفسیر شریف البلال و القلاقل،<sup>(۲۱)</sup>
- ۸- تفسیر اثنی‌عشری،<sup>(۲۲)</sup>
- ۹- منهج الصادقین فی الزام المخالفین،<sup>(۲۳)</sup>
- ۱۰- اطیب البیان فی تفسیر القرآن،<sup>(۲۴)</sup>

برخی رساله‌های علمی در باره حجاب که جلیاب را چادر معنا کرده‌اند:

- ۱- سدول الجلیاب فی وجوب الحجاب (۱۲۹۱ ش) آیت‌الله سیدعبدالله بلادی بوشهری.
- ۲- رساله شریفه لزوم حجاب (۱۲۹۳ ش)، مؤلف: چند نفر از مسلمین مشروطه‌خواه.
- ۳- رساله ردّ کشف حجاب (۱۲۹۶ ش) سیداسدالله خرقانی.

گفته شد که جلیاب نام پوشش ویژه‌ای است؛ این پوشش چیست و ویژگی‌های آن چه می‌باشد؟ یکی از واژه‌های قرآنی که اختلاف در تفسیر معنای آن وجود دارد، واژه جلیاب است. چه بسیار خاستگاه اختلاف، اختلاف آداب و رسوم و نوع پوشش‌ها براساس زمان‌ها و مکان‌های مختلف باشد. مهم این است که بررسی شود جلیاب هنگام نزول آیه به چه معنا و مفهومی بوده است.<sup>(۴)</sup> به رغم وجود اختلاف در تفسیر معنای جلیاب حتی کسانی که تصریح کرده‌اند در معنای آن اختلاف است نیز قبول دارند که در اصل لغت به معنای پوشش گسترده و فراگیر است که ظاهر و روی همه بدن را می‌پوشاند.

گرچه در اسم‌گذاری برای بیان پوشش گسترده از واژه‌ها و تعبیرهای همانند و نزدیک به هم مثل ملانته، عبانته، رداء، ازار و کساء استفاده کرده‌اند ولی همه الفاظ مختلف بیان‌کننده معنای پوشش سرتاسری و کامل است که قسمت‌های بیرونی و ظاهری بدن را می‌پوشاند و روی لباس‌های دیگر پوشیده می‌شود.<sup>(۵)</sup> در ادامه ملاحظه خواهید کرد که بسیاری از همین الفاظ و تعبیر در مورد نحوه پوشش زنان اهل بیت به کار رفته است.

در ایران و در زبان فارسی و فرهنگ‌های لغت عربی به فارسی، پوشش گسترده قرآنی (که برای حجاب و پوشش بانوان مسلمان در برخورد با نامحرم و در بیرون از منزل به کار می‌رود) با لفظ و اسم «چادر» شناخته می‌شود.

در دوره اسلامی چادر (Cador) یا چادر (Cadar) (به عربی: Sader) به شکل تن‌پوشی رویی، بی‌آستین، گشاد و چیره بر بدن، توسط زنان در ایران با توجه به ضوابط پوشش اسلامی انتخاب گردید. در آیه ۵۹ سوره احزاب، حکم شرعی این است که زنان هنگام بیرون رفتن از خانه می‌باید تن‌پوش‌های رویی را به دور خود بپیچند. جلیاب، تن‌پوشی رویی بزرگ بوده که سر و بدن را می‌پوشانده، به نظر می‌رسد به معنای چادر امروزی باشد.

چادر (به عنوان یکی از کامل‌ترین انواع تن‌پوش‌های مورد قبول براساس معیارهای اسلامی) شکل یکسانی نداشته است. آثار ادبی این احتمال را می‌رساند که چادر در اصل روبنده یا تن‌پوشی بوده که کل بدن و صورت را در بر می‌گرفته است.<sup>(۶)</sup> چادر احتمالاً از پوشش مخصوص نماز که تن‌پوشی یکپارچه و کاملاً پوشاننده بوده، به جامه هم شکل زنان ایرانی در بیرون از خانه تبدیل شده است.

۷۷۸



چهارم: جلیاب به معنای قمیص و پیراهن بلند و چیره بر انسان است که بدن را می پوشاند.<sup>(۳۹)</sup>

پنجم: جلیاب به معنای مانتو است. این دیدگاه اخیراً مطرح شده است: «جلیاب نیز که در قرآن آمده و بر آن در عرف عرب اطلاق جُتبه هم می شود در فارسی به معنای مانتو است.»<sup>(۴۰)</sup>

همانندی سه دیدگاه اول این است که جلیاب سر را می پوشاند، با این تفاوت که در دیدگاه اول، سر و همه بدن پوشانده می شود. در نگرش دوم، علاوه بر سر، مقدار زیادی از بدن تا روی زانوها پوشانده می شود.

براساس دیدگاه سوم، سر و اطراف گردن و سینه ها فقط پوشانده می شود.

وجه اشتراک دو دیدگاه آخر این است که مربوط به پوشش بدن غیر از سر هستند. شواهد مختلفی وجود دارد که صحت دیدگاه اول و مخدوش بودن دیدگاههای دیگر را اثبات می کند که بعضی عبارتند از:

شاهد اول: در برخی گزاره های تاریخی تعبیری آمده است که اثبات می کند دیدگاه پنجم و چهارم (که جلیاب را به معنای پیراهن بلند و مانتو دانسته اند) درست نیست، مثلاً از عایشه نقل شده است: «خمرت وجهی بجلیابی»<sup>(۳۱)</sup> صورتم را به وسیله جلیاب خود پوشاندم. از این گفته به خوبی استفاده می شود که جلیاب به معنای پیراهن بلند و یا مانتو نیست چون پوشاندن صورت به وسیله پیراهن و مانتو انجام نمی شود. همچنین آمده است: «سدلت احدا نا جلیابها من رأسها علی وجهها»<sup>(۳۲)</sup> یکی از ما جلیاب خود را از روی سرش به صورتش افکند. از این تعبیر نیز معلوم می شود که جلیاب به معنای پیراهن بلند و مانتو نبوده بلکه پوششی بوده که روی سر قرار می گرفته، از این رو قرار دادن آن روی صورت ممکن بوده است؛ برخلاف پیراهن بلند و مانتو که پوشاندن صورت با آن انجام نمی شود.

گواه دوم: از آمدن لفظ «علی» که دلالت بر استعلاء و احاطه می کند<sup>(۳۳)</sup> در آیه جلیاب و همچنین برخی شعرها مثل شعر<sup>(۳۴)</sup> دختر عمرو ذی الکلب استفاده می شود که جلیاب پوششی بوده محیط بر همه بدن به گونه ای که سر را نیز می پوشانده است.

شاهد سوم: در باره پوشش حضرت فاطمه زهرا (س) هنگام خروج از منزل و رفتن به مسجد برای دفاع از فدک نقل شده است:

۴- صواب الخطا فی اتقان الحجاب (۱۳۰۴) میرمحمد هاشم مرندی خوبی.

۵- جوابیه مقالة ضالّه طالبین رفع حجاب (۱۳۰۶ش) زینب بیگم شیرازی.

۶- وسیلة العفاف یا طومار عفت (۱۳۰۶ش) شیخ یوسف نجفی گیلانی.

۷- سرادق دوشیزگان و سعادت ایرانیان در وجوب حجاب و لزوم نقاب (۱۳۰۷ش) سیدمحمدعلی مبارکه ای.

۸- رساله حجابیه (۱۳۱۷ش) شیخ فیاض الدین زنجانی.

۹- رساله در اثبات وجوب حجاب (۱۳۲۴ش)، مباحثه مکتوب ابوالفضل حاذقی و سیدعلی اصغر لاری.

۱۰- حجاب و پرده داری (۱۳۲۴ش)، مباحثه مکتوب ابوالفضل حاذقی و سیدعلی اصغر لاری.

نویسندگان همه رساله های ذکر شده در ذیل بحث از آیه ۵۹ سوره احزاب تصریح کرده اند که جلیاب به معنای چادر است. به عنوان نمونه عبارت رساله حجاب و پرده داری را بیان می کنیم: «جلیاب یعنی لباس سر تاسری؛ لباسی که تمام بدن را می پوشاند و به عبارت فارسی یعنی چادر.»<sup>(۲۵)</sup>

## ۲- اندازه جلیاب

بسیاری از نگارندگان کتاب های لغت و تفسیر در اینکه جلیاب به معنای پوشش فراگیر است اتفاق نظر دارند ولی در باره اندازه دقیق جلیاب دیدگاه های متفاوتی دارند. از مجموع کلمات لغویان و مفسران در مورد اندازه جلیاب پنج دیدگاه قابل اشاره است:

اول: جلیاب پوششی فراگیر مثل چادر بوده که از بالای سر تا پا را می پوشانده است. این دیدگاه از کتاب های فراوانی استفاده می گردد.<sup>(۲۶)</sup>

دوم: جلیاب پوششی بزرگ تر از خمار و مقنعه بوده که کمتر از مقدار رداء یعنی تقریباً تا زانوها را می پوشانده است. این دیدگاه از برخی کتاب های لغت استفاده می شود.<sup>(۲۷)</sup> براساس این قول به نظر می رسد که جلیاب روسری های بزرگی بوده که تا روی زانوها را می پوشانده است.

سوم: جلیاب همان خمار و مقنعه است، یعنی پوششی که فقط سر و سینه ها را می پوشانده است.<sup>(۲۸)</sup>

بسیاری از نگارندگان کتاب های لغت و تفسیر در اینکه جلیاب به معنای پوشش فراگیر است اتفاق نظر دارند ولی در باره اندازه دقیق جلیاب دیدگاه های متفاوتی دارند.



«لائت خمارها علی رأسها و اشتملت بجلبابها» (۳۵) مقنعه‌اش را محکم بر سر بست و جلباب که تمام بدنش را می‌پوشاند بر تن کرد.

#### ■ برداشت‌ها

از نحوه پوشش حضرت چند نکته استفاده می‌شود:

اول: پوشش حضرت فاطمه (س) در بیرون منزل همان دو پوشش قرآنی مستقل از یکدیگر به نام «خمار» و «جلباب» بوده است. بر این اساس نظر طرفداران دیدگاه سوم که جلباب را به خمار (مقنعه) معنی کرده‌اند، رد می‌گردد.

دوم: از عبارت «اشتملت بجلبابها» استفاده می‌شود جلباب پوششی سرتاسری مثل چادر بوده که تمام بدن حضرت را فرا می‌گرفته است، بنا بر این نظر طرفداران دیدگاه دوم که معتقد بودند جلباب تقریباً تا زانوها را می‌پوشاند نیز پذیرفته نمی‌شود.

شاهد چهارم: زمخشری در تفسیر «کشاف» و آلوسی در تفسیر «روح المعانی» از ابن عباس صحابی پیامبر اکرم (ص) و شاگرد امام علی (ع) در تفسیر قرآن نقل کرده‌اند: «جلباب پوششی است که از بالا تا پایین بدن را می‌پوشاند» (۳۶) که با این شاهد، بطلان دیدگاه دوم اثبات می‌گردد.

گواه پنجم: احادیثی همچون حدیث نبوی: «لتغیر ذی محرم أربعة أثواب: درع، خمار و جلباب و ازار» (۳۷) حجاب زن در برخورد با نامحرم چهار پوشش است: پیراهن، مقنعه، چادر و شلوار. در این حدیث از جلباب و خمار به عنوان دو پوشش مستقل و در عرض هم نام برده شده است، که بطلان دیدگاه دوم استفاده می‌شود. همچنین در برخی کتاب‌های لغت مثل «مصباح‌المنیر» فیومی آمده است: «الجلباب ثوب أوسع من الخمار؛ جلباب لباس گسترده‌تر از خمار است» که ناهمگونی و مستقل بودن جلباب و خمار استفاده می‌شود. نتیجه اینکه، با شواهد و قراین ذکر شده اثبات می‌گردد که از بین دیدگاه‌های پنج‌گانه، دیدگاه اول صحیح است.

#### ۳- کارکرد جلباب

برای فهمیدن کارکرد جلباب و چگونگی پوشش آن لازم است به این پرسش پاسخ داده شود که معنای «یدنین» در آیه جلباب چیست؟

«یدنین» از ریشه لغوی «دنو» و مصدر اِذْناء؛ به معنای نزدیک کردن در مقابل دور کردن است.

دور نمودن هر چیز، مناسب با آن است، مثلاً دور کردن دشمن یعنی فاصله انداختن بین دشمن و خود؛ دور کردن اخلاق زشت یعنی آراسته شدن به صفات نیک و نابود کردن اخلاق ناشایست؛ دور کردن لباس یعنی گندن و بیرون آوردن آن؛ در مقابل نزدیک کردن لباس یعنی پوشیدن آن. اما چرا قرآن از «دنو» و معنای نزدیک کردن استفاده کرده، ریشه‌های لغوی مثل ستر به معنای پوشاندن و پوشیدن را به کار نبرده است؟



۷۸۵

## جلباب پوششی فراگیر مثل چادر بوده که از بالای سر تا پا را می پوشانده است. این دیدگاه از کتاب های فراوانی استفاده می گردد.

کیفیت پوشش بیان شده برای جلباب همان کاری است که امروزه بسیاری از دختران و زنان مؤمن و مسلمان چادربوش (که حساسیت بیشتری نسبت به رعایت حجاب دارند) انجام می دهند.

### ۴- رنگ جلباب

شواهد و قرائین متعدد لغوی و تاریخی اثبات می کند رنگ جلباب مشکی بوده است. در بحث معنای جلباب بیان شد که در اصل ریشه لغوی به معنای سوق دادن و پوشاندن است. معجم الوسیط نقل کرده است: «الجلباب من کل شیء غطائه و من اللیل خلاصه؛ جلب از هر چیزی به معنای پوشش و پرده آن است و مراد از جلب لیل نیز پرده سیاه و تاریک شب است.»

این منظور در لسان العرب گفته است: «جلباب اللیل: استاره المظلمة؛ مراد از جلباب های شب، پرده های تاریک شب است.» بعضی دیگر از نویسندگان کتاب های لغت مثل فیروزآبادی، (۳۳) شرتونی (۳۴) و صفی پور (۳۵) ذکر کرده اند که جلب به معنای سواد و سیاهی است. برخی کتاب های لغوی معتبر و اصیل مانند «تهذیب اللغة» (۳۶) و «لسان العرب» (۳۷) این مصراع از شعر عربی را آورده: «و جلب اللیل یطرده النهار؛ روز پرده سیاه شب را از بین می برد.» سپس تصریح کرده اند: «اراد بجلب اللیل: سواده؛ شاعر از «جلب لیل» تاریکی و سیاهی شب را قصد کرده است.» (۳۸)

[به نظر می رسد در استدلال یاد شده خلط واضحی صورت گرفته است. در تمام موارد یاد شده وصف رنگ از کاربرد کلمه «لیل» در کنار «جلب» فهمیده می شود نه اینکه در اصل مفهوم «جلب» رنگ سیاه نیز لحاظ شده باشد - سردبیر]

علاوه بر قرائین و شواهد فوق در برخی از کتاب هایی که در باره انواع لباس های اسلامی نوشته شده، جلباب به پوشش گسترده مشکی (که بانوان روی لباس های دیگر می پوشند) معنا شده است. (۳۹) بنابراین جلباب از ریشه لغوی «جلب» است که در آن رنگ سیاه نیز لحاظ شده است.

علاوه بر شواهد ذکر شده، قرائین تاریخی نیز اثبات می کند که رنگ جلباب قرآنی مشکی بوده، با این توضیح که قرآن به زبان عربی مبین نازل شده است تا برای همه خصوصاً مردم عرب عصر نزول قابل فهم باشد. بنابراین باید بررسی کرد زنان مؤمن عصر نزول و مخاطب آیه، از واژه جلباب چه برداشتی داشته اند و تبادل ذهنی آنها از این واژه چه بوده است؟ یعنی چه معنا و مفهومی از جلباب به ذهن آنها سبقت و پیشی گرفته است؟ در «سنن ابی داود»

پاسخ: به قرینه تقابل معنوی بین معنای نزدیک و دور کردن به نظر می رسد علت این باشد که دور کردن و گندن لباس، همراه و ملازم با نوعی تنفر و انزجار است، مثل وقتی که انسان هنگام خستگی، انزجارآمیز لباسش را دور می افکند. در مقابل، نزدیک کردن لباس به بدن، همراه و ملازم با قربات و ارتباط معنوی می باشد.

قرآن مجید با استفاده از تعبیر «دنو» و نزدیکی در آیه جلباب به بانوان دستور داده است که جلباب را با علاقه بیوشند، تا با نوعی محافظت و دقت همراه باشد، نه مانند کسی که به صورت اجبار، لباسی را به تن می کند. (۳۸)

با این همه برخی تفسیرها از جمله تفسیر معتبر المیزان علامه طباطبایی، ادناء در آیه را به ستر و پوشاندن معنا کرده اند. (۳۹)

استاد مطهری نیز تصریح کرده است که مقصود از نزدیک ساختن جلباب، پوشاندن با آن می باشد، یعنی زنان وقتی می خواهند از خانه بیرون بروند، روسری بزرگ (۴۰) خود را بردارند؛ البته معنی لغوی «ادناء» و نزدیک ساختن چیزی، پوشانیدن با آن نیست بلکه از مورد چنین استفاده می شود.

وقتی به زن بگویند جامه هات را به خود نزدیک کن، مقصود این است که آن را رها نکن. آن را جمع و جور کن و خود را با آن بپوشان. استفاده زنان از پوشش های بزرگ که بر سر می افکنده اند دو نوع بوده است:

یک نوع جنبه تشریفاتی و اسمی داشته است، همچنان که در عصر حاضر چادر داشتن بعضی بانوان صرفاً جنبه تشریفاتی دارد و با چادر بدن خود را نمی پوشانند بلکه آن را رها می کنند. وضع چادر سرکردن شان نشان می دهد که اهل پرهیز از معاشرت با مردان بیگانه نیستند و از اینکه مورد بهره برداری چشمها قرار بگیرند ابا و امتناعی ندارند.

نوع دیگر بر عکس بوده، زن چنان با مراقبت جامه های خویش را به خود می گیرد و آن را رها نمی کند که نشان می دهد اهل عفاف و حجاب است، که ناپاک دلان را نومید می سازد. تعلیل دنباله آیه جلباب «ذلک اذنی ان یعرفن فلا یؤذین» مؤید نوع دوم است. (۴۱)

حال که آشکار گشت «یدنین» و «ادناء» در آیه به معنای پوشاندن است، در مورد کیفیت پوشش بدن با جلباب، برخی از تفسیر از ابن سیرین نقل کرده اند: مراد قرار دادن جلباب و رداء بالای ابرو و گرد کردن و قرار دادن گوشه های جمع شده آن بالای بینی است. (۴۲)





«زنان طبقه بالاتر چه مسلمان و چه مسیحی هنگام بیرون شدن از خانه، خود را در یک روپوش ابریشمی سیاه می‌پوشند.» وی همچنین به نقل از «بوکینگهام» در کتاب «مسافرت‌هایی در بین‌النهرین» می‌نویسد: «زنان دیار بکر گاهی چادر بزرگی از ابریشم مشکی همان طور که در میان زنان توانگر قاهره مرسوم است می‌پوشند.»<sup>(۵۴)</sup>

پس از بررسی مفهوم، اندازه، کارکرد و رنگ جلیباب، اکنون مناسب است چادر را نیز از نظر مفهوم، اندازه، کارکرد و رنگ بررسی کنیم تا مقایسه آن دو با یکدیگر آسان‌تر شود.

### ■ مفهوم، اندازه، کارکرد و رنگ چادر

#### ۱- مفهوم چادر

کلمه چادر واژه‌ای است پهلوی<sup>(۵۵)</sup> که به دو صورت «چادرو و چادر» به کار رفته است. در کتاب‌های لغت به خاستگاه فارسی و ایرانی بودن این واژه اشاره شده است. در مورد معنا و مفهوم چادر در فرهنگ لغت فارسی آمده است: چادر بالاپوشی که زنان روی سر اندازند و همه اندام آنان را می‌پوشاند.<sup>(۵۶)</sup> جامه رویین زنان، جامه بی‌آستین، و زبرین زنان که تمام سر، تن، پای و دست را از نظرها مستور دارد.

پارچه‌ای است عریض و طویل که زن‌ها آن را سر می‌کنند. ردای زنان، بالاپوش، پرده، حجاب. در مثل گویند: «خانه نشستن بی‌بی از بی‌بی چادری است.» برخی از الفاظ مترادف و متشابه با معنای چادر عبارتند از: ملحفه، ازار، رداء، طلیسان و ملائه.

لغت‌نامه دهخدا پس از ذکر این تعابیر، لفظ چادر را این گونه معنا می‌کند: چادر پارچه‌ای است که زنان برای پوشانیدن چهره، دست‌ها و سایر اعضا و البسه بر روی همه لباس‌ها پوشند.<sup>(۵۷)</sup> لغت‌نامه دهخدا در ذیل واژه جلیباب آن را این گونه معنا کرده است: پارچه‌ای که زنان برای پوشاندن چهره، دست‌ها و سایر اعضا و البسه بر روی همه لباس‌ها پوشند.<sup>(۵۸)</sup>

همان گونه که آشکار است این معنا برای واژه جلیباب دقیقاً همان معنایی است که برای واژه چادر نقل کرده است. بنابراین جلیباب و چادر از نظر این کتاب لغت به یک معنا هستند.

به کارگیری کلمه چادر از نخستین دوره‌های شعر فارسی در آثار شاعران دیده می‌شود. ناصر خسرو عقل را همچون عروسی می‌داند که سخن، مانند چادر زیبایی‌های او را می‌پوشاند.

زیر سخن است عقل پنهان

عقل است عروس و قول چادر

علاوه بر این لغت‌نامه دهخدا اشعار زیادی را از شعرای دوره‌های مختلف ادبیات فارسی مثل رودکی، فردوسی، ناصر خسرو، اسدی، منوچهری، فخرالدین اسعد، ازرقی، خاقانی، مولوی، سعدی و ... ذکر کرده که در آنها لفظ چادر به کار رفته است.<sup>(۵۹)</sup>

استعمال گسترده لفظ چادر در ادبیات فارسی دلالت روشنی بر اصالت این نوع پوشش در بین زنان ایرانی در دوره‌های مختلف تاریخ ایران دارد.

از ام‌سلمه، همسر گرامی پیامبر اکرم (ص) قضیه تاریخی نقل شده که بیانگر تبادر ذهنی زنان عرب است و آن قضیه این می‌باشد: وقتی آیه جلیباب «يُدْنِينَ عَلَيَّهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبٍ»<sup>(۵۰)</sup> نازل شد، زن‌های انصار از خانه‌هایشان خارج شدند در حالی که پوشش‌های مشکی داشتند. گویی کلاغ بالای سر آنها نشست است.<sup>(۵۱)</sup>

در کتاب «عون المعبود شرح سنن ابی‌داود» در توضیح قضیه یاد شده نیز آمده است: پوشش‌هایی که زنان انصار به عنوان جلابیب از آن استفاده کرده بودند، دارای رنگ مشکی بوده است، آنان به کلاغ که رنگ آن مشکی است تشبیه شده‌اند. و به نظر می‌رسد این تشبیه به خاطر این است که اساساً در ریشه واژه غراب (کلاغ) معنای سواد و مشکی اخذ شده است.<sup>(۵۲)</sup>

تفسیر مهمی مانند «المیزان»، «الدر المستور» سیوطی، «روح المعانی» آلوسی و بسیاری از تفسیرهای دیگر در ذیل آیه جلیباب جریان تاریخی بالا را نقل کرده‌اند.<sup>(۵۳)</sup> سکوت پیامبر (ص) در باره رنگ مشکی پوشش زنان انصار، دلیل بر تفریر و تأیید حجاب با چادر مشکی است. علاوه بر قضیه ذکر شده، گزارش‌های تاریخی زیر نیز ادامه حجاب و پوشش چادر مشکی در قرن‌های پس از صدر اسلام در بین بانوان مسلمان را اثبات می‌کند:

«دزی» صاحب کتاب معتبر «فرهنگ البسه مسلمانان» (که تحقیق‌های زیادی در زمینه نحوه پوشش مسلمانان انجام داده است) به نقل از «تورنر» در کتاب «یادداشت‌های یک سیاحت در شرق» می‌گوید:

لغت‌نامه دهخدا پس از ذکر این تعابیر،

لفظ چادر را این گونه معنا می‌کند:

چادر پارچه‌ای است که زنان برای پوشانیدن

چهره، دست‌ها و سایر اعضا و البسه

بر روی همه لباس‌ها پوشند.

## ۲- اندازه چادر

و روی آوردن بانوان به حجاب اسلامی، زنان رنگ‌های تیره و مشکی را برای چادر انتخاب کردند. به دلیل ملازمت بیشتر چادر مشکی با وقار و متانت، رنگ چادر دختران و بانوان مؤمن و متدین در شهرهای مذهبی مثل قم، مشهد و همچنین در محیط‌های مذهبی مثل حوزه‌های علمیه خواهران، مشکی است. این پدیده بیرونی مؤید آن است که بانوان مؤمن و مسلمان فرهیخته، خود نیز قبول دارند که رنگ مشکی چادر در تحقق حجاب اسلامی نسبت به دیگر رنگ‌ها مؤثر و کارآمد است.

گرچه چادر از نظر شکل و نوع پارچه و مدل دوخت در طول تاریخ و در جوامع مختلف، به تناسب وضع زمان و مکان دچار تغییر و دگرگونی شده، ولی از نظر مقدار و اندازه، چادر پوشش بزرگی بوده که سرتاسر بدن و لباس‌های دیگر بانوان را از سر تا پا می‌پوشاند. احتمال دارد چادر در اصل «چهار دور» بوده است، چون چهار طرف چیزی را که روی آن قرار می‌گیرد می‌پوشاند.<sup>(۶)</sup> به نظر می‌رسد در اثر گذشت زمان برای آسانی در تلفظ، کلمه «چهار دور» به چادر تبدیل شده باشد.

## ■ مقایسه جلیباب و چادر

### ۱- مفهوم

گذشت که از نظر مفهوم، جلیباب و چادر در اینکه پوشش گسترده و بزرگی هستند (که از بالای سر و روی لباس‌های دیگر پوشیده می‌شوند و معمولاً در بیرون منزل و در مقابل نامحرم از آن استفاده می‌گردد) مشترک‌اند.

### ۲- اندازه

بیان شد که براساس دیدگاه صحیح از نظر اندازه نیز جلیباب و چادر یکسان و مشترک هستند. اندازه آن دو به گونه‌ای است که از بالای سر تا پایین پا را می‌پوشانند.

### ۳- کارکرد

با توجه به معنای ذکر شده برای «یدنین» در آیه جلیباب و همخوانی آن با استفاده صحیح از چادر، معلوم شد که جلیباب و چادر از نظر کارکرد نیز یکسان و مشترک هستند، به گونه‌ای که کارکرد آن دو، پوشش همه قسمت‌های بدن در هنگام برخورد با نامحرم می‌باشد.

### ۳- کارکرد چادر

چادر از نظر کارکرد به گونه‌ای است که از بالای سر پوشیده می‌شود و اطراف آن جمع و جور شده، به گونه‌ای کنترل می‌گردد تا پوشش بیشتر و بهتری نسبت به بدن داشته باشد. بسیاری از بانوان مؤمن و متدین (که حساسیت بیشتری نسبت به رعایت حجاب و پوشش خود دارند) اطراف قسمت‌های بالای چادر را جمع و جور کرده و با دست خویش کنترل می‌کنند، به گونه‌ای که قسمت بیشتری از چهره و دست‌ها و همه اندام آنان پوشیده گردد.

### ۴- رنگ چادر

گرچه چادر از نظر رنگ به تناسب و اقتضای وضع زمان و مکان و محیط‌های گوناگون ممکن است دارای رنگ‌های متفاوت باشد ولی معمولاً رنگ چادر بانوان در برخی کشورهای عربی همچون عراق و عربستان (که از عبایه و چادر عربی استفاده می‌کنند) مشکی است. در کشور ایران نیز مخصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی

● استعمال گسترده لفظ چادر در ادبیات فارسی  
دلالت روشنی بر اصالت این نوع پوشش  
در بین زنان ایرانی در دوره‌های مختلف  
تاریخ ایران دارد. ●

۷۸۴



گذشت که به دلیل شواهد لغوی متعدد و همچنین به دلیل گواه تاریخی (که مؤید و بیانگر تبادر ذهنی زنان عرب، در زمان نزول آیه جلیاب می‌باشد) رنگ جلیاب و چادر، مشکی بوده، اکنون نیز رنگ اکثر چادرهای بانوان مشکی است. بنابراین جلیاب و چادری که بانوان در بیرون منزل استفاده می‌کنند از نظر رنگ نیز یکسان و مشترک هستند.

نتیجه اینکه، پس از مقایسه جلیاب و چادر از نظر مفهوم، اندازه، کارکرد و رنگ آشکار گردید که جلیاب و چادر از نظرهای ذکر شده، همخوانی و تشابه بسیار نزدیکی با یکدیگر دارند، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد حجاب حداکثری (چادر مشکی) دارای منشأ و ریشه قرآنی است و در قرآن مجید از چادر مشکی با لفظ «جلیاب» تعبیر شده است.

### ■ دلیل و حکمت استفاده از جلیاب و چادر

در کتاب‌های تفسیر و کتاب‌های مربوط به حجاب در مورد فلسفه و حکمت پوشش جلیاب و حجاب حداکثری دو احتمال بیان شده است:

**اول:** پوشش جلیاب و حجاب حداکثری برای تمایز و جدایی زنان آزاد از زنان کنیز و برده بوده است. این احتمال در برخی شأن نزول‌هایی که در ذیل آیه بیان شده این گونه آمده است:

گاهی اوقات جوانان مزاحم و فاسد متعرض زنان آزاد نیز می‌شدند، سپس مدعی می‌شدند که نفهمیدیم آزادزن است و پنداشتیم کنیز است، از این رو به زنان آزاد دستور داده شد که بدون جلیاب و بدون حجاب کامل از خانه خارج نشوند تا از کنیزان تشخیص داده شوند و مورد مزاحمت و اذیت قرار نگیرند.<sup>(۶۱)</sup>

این احتمال اشکال دارد زیرا می‌فهماند که مزاحمت نسبت به کنیزان مانعی ندارد و منافقان آن را به عنوان عذری مقبول برای خود بیان می‌کردند، در حالی که چنین نیست زیرا اگر چه پوشاندن موی سر بر کنیزان واجب نبوده (شاید دلیل آن بوده که وضع ظاهری کنیز معمولاً جالب و تحریک‌آمیز نیست و مورد رغبت کسی واقع نمی‌شود) ولی مزاحمت حتی در مورد کنیزان گناه است و منافقان نمی‌توانسته‌اند کنیز بودن را عذر بدانند.<sup>(۶۲)</sup>

یکی از قراین و شواهدی که نادرستی احتمال اول را اثبات می‌کند این است که تعبیر فراگیر «نساء المؤمنین» در آیه جلیاب هم شامل زنان مؤمن آزاد و هم شامل زنان مؤمن کنیز می‌شود. بنابراین خارج کردن کنیزان از عموم آیه نیازمند دلیل واضح و روشنی است،<sup>(۶۳)</sup> که چنین دلیلی وجود ندارد.

### شواهد و قراین متعدد لغوی و تاریخی اثبات

می‌کند رنگ جلیاب مشکی بوده است.

**احتمال دوم:** دستور پوشش جلیاب و حجاب حداکثری چادر مشکی برای تمایز و شناخته شدن زنان عقیف از غیر عقیف است، چون زن مسلمان باید چنان میان مردم رفت و آمد کند که نشانه‌های عفاف، وقار و پاکی او هویدا باشد و به عفت شناخته شود چون در این وقت است بیماردلانی که دنبال شکار می‌گردند از آنان نومید می‌گردند و فکر بهره‌کشی از آنها در خیال‌شان خطور نمی‌کند. معمولاً جوانان ولگرد متعرض زنان جلف و سبک و عریان می‌گردند. وقتی به آنها اعتراض می‌شود که چرا مزاحم می‌شوی؟ می‌گویند اگر دلش این چیزها را نخواهد با این وضع بیرون نمی‌آید.<sup>(۶۴)</sup>

با استفاده از آخر آیه جلیاب «ذَلِكْ اذْنِي اَنْ يُغْرِقَن فَلَآ يُؤْذِنَن» پوشیدن جلیاب «چادر» نزدیک‌تر است که به عفت شناخته شوند و مورد اذیت و آزار قرار نگیرند می‌توان گفت که یکی از فلسفه‌ها یا حکمت‌های حجاب حداکثری چادر این است که چون چنین پوشش حداکثری، نشانه صلاح و پاکدامنی باطنی است، بازدارنده مهمی در مقابل آزار مزاحمان و در نتیجه باعث صیانت و حفظ زنان می‌گردد. مطلب ذکر شده با مبحث روانشناسان در مورد کنترل محرکی (Stimulus) (Cantrol) و دادن سرنخ (Prompting) برای رفتار با دیگران همخوانی دارد، چون پوشش بیشتر به اصطلاح روانشناسان رفتارگرا، محرک افتراقی (Discriminative Stimulus) بر تمایلات درونی ایشان می‌شود که بیانگر عفاف و صلاح و رستگاری درونی است. البته نکته فوق لزوماً به این معنا نیست: آنان که حجاب را دقیقاً رعایت نمی‌کنند عفاف و صلاح درونی را ندارند، بلکه منظور این است: آنان که از چنین تفکیکی استفاده نمی‌کنند رفتارشان می‌تواند کج‌فهمی باشد، یعنی بدحجابی آنها به منزله چراغ سبزی باشد تا توسط افراد مزاحم مورد اذیت قرار گیرند.<sup>(۶۵)</sup> حداقل یکی از فلسفه‌های حجاب حداکثری چادر در اسلام، راندن افراد لایالی و مزاحم است، تا فکر متلک‌گویی و چشم‌چرانی و اذیت کردن زنان را در خیال خود نیروانند.<sup>(۶۶)</sup>

آنچه در ابتدای این فصل از علی ابن ابراهیم در مورد سبب نزول آیه جلیاب نقل شد، مؤید مطلب بالا است. علامه طباطبایی (ره) پس از ذکر دو احتمال یاد شده احتمال دوم را پذیرفته‌اند.<sup>(۶۷)</sup>

**وقتی آیه جلیاب نازل شد، زن‌های انصار از خانه‌هایشان خارج شدند در حالی که پوشش‌های مشکی داشتند. گویی کلاغ بالای سر آنها نشست است.**







سکوت پیامبر(ص) در باره رنگ مشکی پوشش زنان انصار، دلیل بر تقریر و تأیید حجاب با چادر مشکی است. علاوه بر قضیه ذکر شده، گزارش‌های تاریخی زیر نیز ادامه حجاب و پوشش چادر مشکی در قرن‌های پس از صدر اسلام در بین بانوان مسلمان را اثبات می‌کند.

بی‌نوشتها:

۱- سوره احزاب، آیه ۵۹.

۲- «جلب» الجیم و اللام و الباء (اصلان): «احدهما الإبتان بالشئ» من موضع إلى موضع والأخر شئ یشئ شیئاً... ومن هنا اشتقاق الجلباب» احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۳۷۰-۳۶۹. محمد واعظزاده خراسانی، المعجم فی فقه لفة القرآن و سر بلاغته، ج ۹، ص ۶۹۴.

۳- مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۹۵.

۴- المعجم فی فقه لفة القرآن و سر بلاغته، ج ۹، ص ۶۹۷.

۵- «این الإزار و الملائة و الرداء ألفاظ متددة لمستی واحد و هو الجلباب» الذکور محمد فؤاد البرزازی، حجاب المرأة المسلمة بین احتیال المبطین و تأویل الجاهلین، ص ۳۳.

۶- «قد اختلف القول فی الجلباب و معهود ادانته و أوجه الأقوال فی الجلباب هو الملائة أو الملبانة» محمد غره دروزه، التفسیر ترتیب السور حسب النزول، ج ۲، ص ۴۱۹، دار الفکر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ هـ.ق.

۷- «اختلف الناس فی الجلباب علی تفاوت مقاربه عمادها أنه الثوب الذی یستر به البدن»، ابن السری المالکی، احکام القرآن، ج ۲، ص ۶۲۵، ج بیروت، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۸ هـ.ق.

۸- «الجلبَاب: ما تلبسه المرأة فوق الثیاب و تنطلی به جمیع بدنها من رأسها إلى أسفل قعمیها و قد عُبر عن المتصف بهذه الخصوصیات بالمحففة و الملائة و الرداء و الکساء و نحو ذلك منا تشتمل به المرأة جمیع بدنها من فوقها إلى أسفلها» علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسیله، احکام الستر و التظفر، ص ۲۹، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام الخمینی(ره) دی ماه ۱۳۷۵.

۹- «الجلبَاب: ما یغطی الثیاب و یستر البدن و الثیاب معاً، و الملائة التي یشتمل بها، و المحففة و الرداء الذی یستر تمام البدن و یلبس فوق الثیاب»، حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۹۵.

۱۰- آیات فردوسی و اسدی در نستانه دهخدا، ذیل واژه چادر.

۱۱- حامد الگار، چادر در دوره اسلامی - پوشاک در ایران زمین - از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا (۱) تألیف گروه نویسندگان، ص ۴۲۷-۴۲۵، ضمیمه شماره ۱، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ش.

۱۲- تألیف قرن چهارم یا پنجم هجری، به اهتمام مهدی محقق، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۲۶۸.

۱۳- فرهنگ بربرهای فارسی قرآن، براساس ۱۴۲ نسخه خطی کهن، با نظارت دکتر محمدجعفر یاحقی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۲۲، ج ۲، ص ۶۱۹.

### ■ چادر مشکی حجاب هم‌شکل بانوان مسلمان

از آنجا که معمولاً از نوع لباس می‌توان بایگانه اجتماعی و خودآگاهی افراد، نیز ارزیابی آنها از خود را حدس زد، در مدارس سعی می‌شود کودکان از لباس و رپوش هم‌شکل استفاده کنند تا به این ترتیب فردیت‌زدایی شود و احساس فردیت (Individualise) در آنان کم گردد. یونیفرم<sup>(۶۸)</sup>‌ها مثل لباس خلبانان، غواصان، آتش‌نشان‌ها و رانندگان علاوه بر اینکه افراد را در برابر صدمات و آسیب‌ها حفظ می‌کند، عامل شناسایی است، زیرا هویت افراد را فاش می‌سازد.

در اسلام در موسم حج، افراد از لباس هم‌شکل احرام استفاده می‌کنند که نشانه ترک دلبستگی‌های دنیوی و کنار گذاشتن لباس‌های رنگارنگ است.

بر اساس آیه جلیب می‌توان گفت که چادر مشکی پوشش متحدالشکل زن مسلمان در برخورد با نامحرم و در بیرون از منزل است. **تلاشنامه‌ای** باشد برای شناخته شدن زن مؤمن و مسلمان به پارسی، عفت و پاکي. در واقع همان گونه که لباس متحدالشکل و یونیفرم در دیگر اصناف و اقشار، ماهیت افراد را مشخص می‌کند، جلیب و چادر مشکی معرف شخصیت روحی و معنوی و پاکدامنی بانوان مسلمان به عنوان قشر بزرگ جامعه است. همین نکته مهم به شکل ظریفی در آیه جلیب آمده است:

«ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو (هنگام خروج از منزل) چادرهای مشکی خود را بپوشند. این کار برای اینکه (به تقوا و عفت) شناخته شوند و مورد اذیت و آزار (هوسرانان) قرار نگیرند بهتر است.»<sup>(۶۹)</sup>

بخش دوم مقاله را در شماره بعد خواهیم آورد.

فرهنگ

و اندیشه



۱۴

۷/۸۵

۱۰ - محمد بن منصور المروزی، تصحیح دکتر محمد سرور مولایی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱، ص ۱۲۷.

۱۱ - تصحیح عزیزانته جوینی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۸، بخش مفردات سوره احزاب، ص ۱۹۰.

۱۲ - میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۸ ق، ج ۱، ص ۱۳۳.

۱۳ - سید علی اکبر قرشی، دار الکتب الاسلامیة، چاپ هشتم، بهار ۱۳۷۸، ج ۱ و ۲، ص ۴۲.

۱۴ - آر تور جفری، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۱۶۹.

۱۵ - ابوبصیر نحم‌الدین عمر بن محمد نسفی، تصحیح دکتر عزیزانته جوینی، تهران، انتشارات سروش، چاپ نول، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۰۲.

۱۶ - بهاء‌الدین محمد بن شیخ علی‌الشریف الاله‌جی، تصحیح دکتر محمد ابراهیم آیتی، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۴۰، ج ۳، ص ۶۶.

۱۷ - حسین بن علی بن محمد بن احمد الخزاز الشیبوری، تصحیح و حواشی استاد مهدی الهی قمشه‌ای، تهران، چاپخانه محمدحسن علمی، چاپ دوم، ۱۳۲۵ هـ.ش، ج ۸، ص ۱۹۱.

۱۸ - بانوی اصفهانی، نهضت زنان مسلمان، شهرپور ۱۳۶۱ هـ.ش، ج ۸، ص ۲۵۴.

۱۹ - شعال‌الدین حسینی کاشفی (سده نهم)، کتابفروشی و چاپخانه اقبال، ج ۲ و ۴، ص ۴۹۱.

۲۰ - ابوبکر عتیق نیشابوری (م - ۴۹۴ ق)، تصحیح سعیدی سیرجانی، تهران، فرهنگ نشر نو، چاپ اول، ۱۳۸۱ هـ.ش، ج ۳، ص ۱۹۹۵.

۲۱ - ابوالکارم حسینی (م - قرن ۷ هـ.ق)، تصحیح و تحقیق محمدحسن صفخواه، تهران، انتشارات احیاء کتاب، ۱۳۷۶ هـ.ش، ج ۳، ص ۷۶.

۲۲ - حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، انتشارات میقات، چاپ نول، پاییز ۱۳۶۴ هـ.ش، ج ۱۰، ص ۴۸۹.

۲۳ - ملا فتح‌الله کاشانی، چاپخانه محمدحسن علمی، آذر ۱۳۳۰، ج ۷، ص ۳۳۲، خلاصه منهج الصادقین، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، رمضان ۱۳۷۴ هـ.ق، ج ۴، ص ۳۱۸.

۲۴ - سید عبدالحسن طیب، انتشارات اسلامی، چاپ سوم، تابستان ۱۳۶۶ هـ.ش، ج ۱۰، ص ۵۳۷.

۲۵ - رسائل حجابیه (شصت سال تلاش علمی در برابر کشف حجاب)، ج ۱، ص ۶۶۸ گردآورنده رسول جعفریان، متن رساله‌های فوق و رساله‌های فراوان دیگر مربوط به حجاب با تصحیح، تحقیق و تملیقه آقای جعفریان در دو جلد گردآوری شده، توسط انتشارات دلیل ما (قم)، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۰ منتشر شده است.

۲۶ - به عنوان نمونه ذیل آیه جلیب رکت علامه طباطبائی، تفسیر المیزان؛ شیخ محمدجواد مغنیه، تفسیر الکاشف؛ بیضاوی، تفسیر انوار التنزیل و اسرار التأویل، همچنین از ابن عباس مفسر بزرگ قرآن کریم این دیدگاه استفاده می‌شود که ضمن بررسی دیدگاه‌های پنج‌گانه خواهد آمد در کتاب «الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانها»، ذیل آیه ۵۹ سوره احزاب (آیه جلیب) آمده است: «جلیب جمع جلیب اسم جامد للملأنة التي تشتمل بها المرأة. قال المبرد: الجلیب ما یستر الكل مثل الملحفة».

در کتاب عبدالکریم زیدان با عنوان «المفصل فی احکام المرأة والبيت المسلم»، ج ۳، ص ۳۲۲، آمده است: «انه الملأنة التي تشتمل بها المرأة فلبسها فوق ثيابها و تملأ بها جميع بدنها من رأسها إلى قدمها والجلیب بهذا التعريف يشبه الملبأة التي كانت شائعة فی لباس النساء فی العراق ولا تزال البعض منهن یلبسها».

در «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» آمده است: «انه ما یغطی الثیاب و یستر البدن و الثیاب ما و الملأنة التي تشتمل بها و الملحفة و الرداء الذي یستر تمام البدن و یلبس فوق الثیاب».

مؤلف کتاب اعتقاد دارد که مفهوم جلب تمامیت پوشش را اقتضا می‌کند، از این رو جلیب لباس‌هایی مثل پیراهن را که از لباس‌های ضروری هستند و تمام بدن را نمی‌پوشانند شامل نمی‌شود.

۲۷ - «الجلیب: ثوب أوسع من الخمار دون الرداء، فیومی، المصباح المنیر، ریشه جلب. این دیدگاه همچنین از برخی کتاب‌های لغت و تفسیر استفاده می‌شود مثل العین خلیل، ج ۶ ص ۱۳۳، طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۱، ص ۲۸۴، التسهیل لمعلوم التنزیل، ج ۳، ص ۱۴۴؛

محمد بن جزئی الکلبی، (م - ۷۴۱)، تفسیر روح البیان، ج ۷، ص ۳۴۰، ذیل آیه ۵۹ احزاب.

۲۸ - «الجلیب: القمص و الخمر الواحد الجلیب» راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن. این دیدگاه همچنین از شیخ طوسی استفاده می‌شود. رکت: التیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۶۱، تحقیق و تصحیح احمد حبیب قصیر المعالی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، رمضان المبارک ۱۴۰۹ هـ.ق.

۲۹ - «الجلیب: القمص و ثوب واسع للمرأة دون الملحفة...» فیروزآبادی، القاموس المحیط، ج ۱، ص ۱۷۳، همچنین چون راغب اصفهانی، جلیب را به قمص تفسیر کرده و قمص جمع قمیص است پس این دیدگاه از ایشان برداشت می‌شود. نیز ابن نظر از احمد بن فارس در معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۴۷۰، ریشه جلب، استفاده می‌شود. البته همان گونه که از این کتاب در ذیل واژه قمص استفاده می‌شود قمیص به هر پیراهنی گفته نمی‌شود بلکه به پیراهن بلند که بر بدن چیره باشد گفته می‌شود (قمص: بدل عنی لیس شیء و الانشیم فیہ. یقال: قمصه، إذا لبسه ثم یستار ذلک فی کل شیء دخل فیہ الإنسان فیقال: تقمص الامارة... از کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» نیز استفاده می‌شود قمیص پیراهنی بلند است که بدن را می‌پوشاند. (رکت: ج ۸، ص ۳۱۹، ریشه قمص).

۳۰ - محمد ابراهیم جاتی، رنگ‌ها در پوشش اسلامی، روزنامه حیات نو، ص ۱۲، شماره ۱۲۹۰، دوشنبه ۱۶ آبان ۱۳۷۹.

۳۱ - سیدجعفر شهیدی، حجاب در قرآن، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۶ - ۲۵، ص ۷۶، بهار و تابستان ۱۳۸۰ هـ.ش.

۳۲ - همن.

۳۳ - عباس حسن، النجو الوافی، ج ۲، ص ۴۷۰، طهران، انتشارات ناصر خسرو، ج سوم.

۳۴ - «شمسی السوریه و هی لاهیة مشی الطاری علیهن الجلیب»؛

کرکسان با آرامش و اطمینان به سوی جسد او روان هستند همانند راه رفتن دوشیزگان که بر تن خود جلیب دارند» دیوان هذلین، قسمت سوم، ص ۱۲۵، چاپ مکتبه العربیه، ۱۳۸۵ هـ.ق.

۳۵ - طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۸.

۳۶ - «عن ابن عباس: الرداء الذي یستر من فوق إلى أسفل». ابن عباس به عنوان یک خبره و کارشناس لنوی، مرجع بزرگی در تفسیر لغات قرآن بوده است. جعفر سبحانی، الموجز فی اصول الفقه، ص ۱۷۶، قم، مؤسسه الإمام الصادق، ج دهم، ۱۳۸۲ هـ.ش، همچنین در مورد منزلت ابن عباس در علم تفسیر رکت: دکتر محمدباقر حجتی، مقاله «تحقیق در باره ابن عباس و مقام وی در تفسیر» چاپ شده در کتابی از ایشان با عنوان «سه مقاله تاریخ تفسیر و نحو»، تهران، بنیاد قرآن، چاپ اول، دی ماه ۱۳۶۰.

۳۷ - طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۷، ص ۲۰۴.

۳۸ - روح‌الله حسینیان، حریم عفاف (حجاب، نگاه)، ص ۶۳ - ۶۲، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۲.

۳۹ - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۳۹، ذیل آیه جلیب (احزاب ۵۹)، همچنین ابی‌الفرج جمال‌الدین عبدالرحمن الجوزی، (م - ۵۹۷ هـ.ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۶، ص ۲۲۴، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج اول، ۱۴۱۴ هـ.ق؛ حسین محمد مخلوق «صفوة البیان لمعانی القرآن»، ص ۵۳۷، مصر، ج سوم؛ الدكتور محمد سید طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۲۴۵، ج دار المعارف.

۴۰ - روسری بزرگ از نظر معنای لفظی و لنوی واژه‌ای است که هم شامل سرپوشی‌هایی می‌شود که تا کمر را می‌پوشاند و هم شامل جادر می‌گردد. اینکه استاد مطهری در ادامه وقتی مثال زده است، از لفظ جادر استفاده کرده است، بعید نیست که این مثال قرینه‌ای باشد بر اینکه مرادشان از روسری بزرگ، پوششی بلند و بزرگ شبیه جادر است.

۴۱ - استاد شهید مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۷۶ - ۱۷۵، انتشارات صدرا، بهار ۱۳۶۷ هـ.ش، با تلخیص.

۴۲ - «عن ابن سیرین: سألت عبیدة السلمانی عن ذلک (یدنین)، فقال: أن تضع رءائها فوق الحجاب ثم تدبره حتى تضمه علی انفها»، زمخشری، تفسیر کشاف، ذیل آیه (احزاب ۵۹)، برخی گفته‌اند مراد از ادناء جلیب پوشش چهره با آن است به گونه‌ای که بیشتر صورت

۷۸۶

سال ۱۵ شماره ۱

مهر

۱۵



**احتمال دارد چادر در اصل «چهار دور» بوده است، چون چهار طرف چیزی را که روی آن قرار می‌گیرد می‌پوشاند.**

**بر اساس آیه جلباب می‌توان گفت که چادر مشکی پوشش متحدالشکل زن مسلمان در برخورد با نامحرم و در بیرون از منزل است، تا نشانه‌ای باشد برای شناخته شدن زن مؤمن و مسلمان به پارسایی، عفت و پاکی.**

۶۳- «الظاهر أن قوله «نساء المؤمنین» يشمل الحرائر والإماء والفتنة بالإماء أكثر لكثرة تصرفهن بخلاف الحرائر فيحتاج إخراجهن من عموم النساء إلى دليل واضح». محمد بن یوسف الشهیر بابی حیان الاتدلسی، تفسیر البحر المحیط، ج ۷، ص ۲۴۰، همچنین محمد ناصرالدین الالبانی، حجاب المرأة المسلمة فی الكتاب والسنة، ص ۳۳-۳۲.

۶۴- مسئله حجاب، ص ۱۷۸-۱۷۶.

۶۵- خلاصه پژوهش بررسی ویژگی‌های حجاب خواهران در دانشگاه تهران، ص ۵ مجری طرح دکتر جعفری بوالهری، شهریور ۱۳۷۶.

۶۶- برای آگاهی بیشتر ر.ک: مهدی صفار دستگردی، بدحجابی در نگرش جامعه‌شناختی، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۲.

۶۷- المیزان، ج ۱۶، ص ۳۶۰.

۶۸- یونیفورم به لباس یکسان و متحدالشکلی اطلاق می‌شود که گروهی، قشری یا صنفی از مردم آن را بر تن می‌کنند و بدین وسیله موقعیت شغلی یا صنفی خود را اعلام و از گروه‌های اجتماعی دیگر متمایز و مشخص می‌گردند، مثل نظامیان، فضات، روحانیون و ... دکتر احمد صبور اردوبادی، آئین بهزیستی اسلام، ج ۴، ص ۸۰، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، بهار ۶۸.

۶۹- سوره احزاب، آیه ۵۹ برای آگاهی بیشتر ر.ک: فصل سوم، بحث دلیل و حکمت استفاده از

جلباب و چادر مشکی.

پوشیده شود، فقط دو چشم دیده شود. ر.ک: سراج‌الدین ابن‌حفص، تفسیر غریب القرآن، ص ۳۱۳. عالم‌الکتب، چ اول، ۱۴۰۸ ه.ق؛ طبری، تفسیر جامع‌البین، ج ۲۲، ص ۴۷-۴۶. برای آشنایی با دیدگاه‌های مختلف در باره ادناء جلباب ر.ک: ابی زکریا یحیی بن‌زید الفراء (م- ۲۰۷ ه.ق)، معانی القرآن، ج ۲، ص ۳۳۹. دار السورب: محمد بن احمد بن جزئی الکلبی (م- ۷۴۱)، التسهیل علوم التنزیل، ج ۴، ص ۱۴۴. بیروت، دار الکتب العربی، چ دوم، ۱۳۹۳ ه.ق؛ محمد شوکانی، فتح‌القدير الجامع بین فنی الروایة و الذبابة من علم التفسیر، ج ۴، ص ۲۹۴. مصر، مطبعه مصطفی البابی، چ اول، رمضان ۱۳۵۰.

۴۳- القاموس المحيط.

۴۴- اقرب الموارد.

۴۵- منتهی لآرب فی لغة العرب.

۴۶- ابی منصور الازهري، ص ۳۷۰-۲۸۲. تهذیب اللغة، ج ۱۱، ص ۶۶ ریشه جلب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ اول، ۱۴۲۱ ه.ق.

۴۷- ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۱۵. ریشه جلب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۴۸- در فرهنگ‌های فارسی نیز چادر کحلی کنایه از آسمان و شب تاریک به کار رفته است. ر.ک: فرهنگ عمید، ذیل واژه چادر.

۴۹- «الجلباب: كساء أسود تلبسه المرأة فوق ثيابها»، الخضب الدناني، الملابس و الزينة فی الاسلام (فی اسما و انواع الملابس القديمة و الحديثة)، ص ۱۹۰.

۵۰- سوره احزاب، آیه ۵۹.

۵۱- «لما نزلت هذا الآية «يُذُنِينَ عَلِيَهُنَّ مِنْ جَلَابِيِبُهُنَّ»، خرج نساء الأنصار كأن علي رؤسهن الغربان من اكسية سود يلبسنها»، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۸۲. كتاب اللباس، باب فی لباس النساء، چ دار الکتب العربی.

۵۲- محمد شمس الحق العظيم آبادی، عون المعبود فی شرح سنن ابی داود، ج ۱۱، ص ۱۵۹، نشر مدینه منوره، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ه.ق؛ المفصل فی احکام المرأة و آئیت المسم فی الشریعة الاسلامیة، ج ۳، ص ۳۳۳. بیروت، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۷ ه.ق.

۵۳- ر.ک: ذیل آیه جلباب (احزاب، ۵۹)، ابی یکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی (۲۱۱-۱۲۶ ه.ق)؛ تفسیر القرآن العزیز، ج ۲، ص ۱۰۱. بیروت، دار المعرفه؛ عبدالعظیم احمد تحبیل، فتح‌الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۸۳. دارالسلام، چ اول، ۱۴۲۱ ه.ق؛ عبدالرحمن ابن‌ابی‌خاتم (م- ۱۳۳۷)، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۳۱۵۴. بیروت، المكتبة الصریه، چ سوم، ۱۴۱۹ ه.ق؛ ابی‌المظفر السمعانی منصور بن محمد الشافعی السلفی، تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۰۶-۳۰۷. الرياض، دار الوطن للنشر، چ اول، ۱۴۱۹ ه.ق.

۵۴- دزی، فرهنگ البسه مسلمانان، ص ۱۳۰-۱۲۹.

۵۵- برای آگاهی در مورد خط و زبان پهلوی که به فارسی میانه معروف است و پیش از زبان فارسی حاضر (که به فارسی نو مشهور است) رواج داشته است، ر.ک: دکتر محمدجعفر یاد، تاریخ ادبیات ایران، کتاب درسی سال اول ادبیات و علوم انسانی، ص ۷ تا ۱۰. نشر سال ۱۳۷۱.

۵۶- محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۲۶۴، واژه «چادر»، تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱ ه.ش.

۵۷- علی‌اکبر دهخدا لغت‌نامه، ج ۵، ص ۶۹۹۲-۶۹۹۰، واژه «چادر»، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، از دوره جدید بهار ۱۳۳۳.

۵۸- همان، ج ۱۷، ص ۱۴، ذیل واژه «جلباب».

۵۹- ر.ک: همان، واژه «چادر»؛ دکتر اکرم جودی نعمتی، مقاله «حجب در ادب فارسی»، مجله زن شرقی، شماره ۱۸-۱۷، ص ۱۰۴. ویژه حجاب، مرداد و شهریور ۱۳۸۳.

۶۰- مؤید احتمال ذکر شده این است که همین حالت پوشاندگی نسبت به چهار طرف و همه اطراف در چادرهایی که عشاير و مسافران در مسافرت‌ها از آنها استفاده می‌کنند نیز وجود دارد.

۶۱- تفسیر روح‌المعانی، ج ۱۲، ص ۱۲۷، ذیل آیه ۵۹ سوره احزاب، همچنین تفسیر الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۲۱.

۶۲- مسئله حجاب، ص ۱۷۷-۱۷۶.

